

جشن شب یلدا

یک سخنور روشنضمیر شب یلدا را چنین می ستاید:

یلدا شبی به طول تاریخ

تپشهای قلبم را به باورخاطره هایم پیوند میزنم.

وسرزمینی را که همزادخاک است و کهن تر از تاریخ،

برای نوباوگان خاک و تازه به دوران رسیدگان تاریخ زمزمه میکنم.

زمزمه میکنم که:

من از نسل شب شکنان روزگارم.

من از نسل نور آفرینان پاک

از سلالة پاک آریانیان برد بارم،

منم میراث هزاران ساله زمین،

همان از شرق تا غرب گسترده آغوش،

همان پیام آور مهر ودوستی،

همان گرفته درفش آشتی بردوش

نه خود ستیزم، نه دیگر ستیز.^۱

شب یلدا، طولانی ترین شب سال یا آخرین شب پائیز (مطابق ۲۱ دسمبر سال عیسوی) است. در دانشنامه آزاد ویکی پیدی، در باره شب یلدا میخوانیم که: شب یلدا یا شب چله یکی از جشنهای کهن ایرانی (آریانیان) است... یلدا به زمان بین غروب آفتاب از ۳۰ آذر (= ۲۱ دسمبر) تا طلوع آفتاب در اول ماه دی (نخستین روز زمستان) گفته می شود. این شب مصادف است با شروع فصل زمستان در نیمکره شمالی زمین و به همین دلیل از این شب به بعد، طول روزها بیشتر و طول شبها کوتاه تر میشود. به سخن دیگر، خورشید در حرکت سالانه خود، در آخر خزان به پایین ترین نقطه افق جنوب شرقی میرسد که موجب کوتاه شدن طول روز و افزایش زمان شب میشود. اما از آغاز زمستان خورشید دگر باره بسوی شمال شرق باز میگردد که نتیجه آن افزایش طول روز و کاهش شب است. به عبارت دیگر، در ششماهه آغاز تابستان تا آغاز زمستان، در هر شبانه روز خورشید، اندکی پایین تر از محل پیشین خود در افق طلوع میکند تا در نهایت در آغاز زمستان به پایین ترین حد جنوبی خود با فاصله ۲۳/۵ درجه از شرق یا نقطه اعتدالین برسد. از این روز به بعد، مسیر جابجایی های طلوع خورشید معکوس شده و دوباره بسوی بالا و نقطه اوج تابستانی باز میگردد. آغاز بازگشتن خورشید بسوی شمال شرق و افزایش طول روز، در اندیشه و باورهای مردم باستان به عنوان زمان تولد دیگر باره خورشید، دانسته میشد بطوری که آن را گرمی و فرخنده میداشتند.^۲

در افغانستان در دوره غزنویان از این جشن در متون تاریخی وادبی فراوان ذکر شده است. ولی بعد از دوره غزنویان از جشن شب یلدا چندان ذکری در متون تاریخی دیده نمیشود. علت آن، مخالفت روحانیت مسلمان است که این آیین را رسم پارسیان و زرتشتیان میدانند و بجا آوردن آن را غیر اسلامی و ناروا میخوانند، اما در سالهای اخیر، شب یلدا رادر افغانستان به نام شب چله جشن میگیرند. واز سوی انجمن های شاعران و نویسندگان و تحصیل کردگان در شهرهای بزرگ هرات و بلخ و کابل، به طور گسترده و هماهنگ جشن شب یلدا برگزار می شود. افغانهایی که این رویداد را جشن میگیرند از آن به عنوانی یکی از سنتهای کهن خود یاد می کنند و میگویند که بزرگداشت از چنین رویدادهایی به معنی حفظ آیین تاریخی شان است.

^۱- از پیام تبریکی خانم زویا مجد به مناسبت جشن سب یلدا، سال ۲۰۱۳

^۲- ویکی پیدی، زیر کلمه جشن شب یلدا کلیک شود

اما ایرانیان بیش از دیگران شب یلدا را جشن می گیرند، شاید علت این باشد که آریانیان از روزیکه با گردش خورشید سال آشنا شده اند، خرم روز دیمه را یکی از روزهای خورشید نامیده اند، زیرا از این روز است که خورشید دوباره به رشد میگذارد و طولانی و طولانی تر میشود .

به باور پارسیان، شب یلدا، شب تولد خورشید یا شب پیروزی نور بر تاریکی و ظلمت است. ایرانیان بطور عموم این شب را با افروختن شمع و آتش و خوردن انار و هندوانه و چهار مغز و هسته زردآلو و گفتن حکایات دلپذیر و شوخی های با مزه جشن میگیرند و به شادمانی و خوشی می پردازند و معتقد اند که خوردن این میوه ها بیماری را از تن انسان تا بهار آینده بدور میدارد.



نمونه هایی از آرایش سفره های شب یلدا (گوگل)

پارسیان در قدیم روز فردای شب یلدا یعنی اول «دی» را نیز جشن می گرفتند و آن را «خرم روز» می نامیدند . برای پاسخ به این پرسش که چرا پس از نوروز تنها آیین شب یلدا، همچنان به قوت خود باقی مانده است ، هیچ سرچشمه معتبر تاریخی بجز نوشته های ابوریحان بیرونی و هم عصرش گردیزی درین خصوص ما را یاری نمی رساند. گردیزی در زین الاخبار، زیر عنوان « اندر شرح جشنها و عیدهای مغان» مینویسد: «مر مغان را جشن های فراوان بوده است اندر روزگار قدیم و من آنچه یافتم ، این جا بیاورم » و سپس در باره نخستین روز دی و جشن «دیگان» میگوید: « اندرین روز جشن خرم روز بود. و این ماه دی به نزدیک مغان ماه خدای است و اول روز او را هم به نام او خوانند، و این روز را سخت مبارک دانند.»^۳

ابوریحان بیرونی داستان جالبی از مراسم «خرم روز» (جشن اول دی) می آورد که هیچ مؤرخ نمی تواند از کنار آن به سادگی بگذرد. و آن اینکه : «دیمه و آن را خورماه نیز میگویند، نخستین روز آن خرم روز است . و این روز و ماه هر دو به نام خدای تعالی، که هر مزد است ، نامیده شده. یعنی پادشاه حکیم و صائب رانی آفریدگار. و درین روز عادت ایرانیان چنین بود که، پادشاه از تخت شاهی به زیرمی آمد و جامه سپید می پوشید و در بیابان برفرش های سپید می نشست و دربان ها و یساوان و قراولان راکه هیبت ملک بدان هاست، بکنار می راند. و در امور دنیا فارغ البال نظر مینمود و هرکس که نیازمند میشد که با پادشاه سخن بگوید، خواه گدا باشد، یا دارا و شریف باشد یا وضع ، بدون هیچ حاجب و درباتی به نزد شاه می رفت و بدون هیچ مانعی با او گفتگو میکرد و در این روز پادشاه با دهقانان و برزیگران مجالست میکرد و در یک سفره با ایشان غذا میخورد و میگفت : من امروز مانند یکی از شما هستم و من با شما برادر هستم، زیرا قوام دنیا به کارهای است که به دست شما می شود و قوام عمارت آن هم به پادشاه است . و نه پادشاه را از رعیت گزیری است و نه رعیت را از پادشاه. و چون حقیقت امر چنین باشد، پس من که پادشاه هستم با شما برزیگران برادر خواهم بود و مانند دو برادر مهربان خواهیم بود. به خصوص که دو برادر مهربان ، هوشنگ و دیگر چنین بودند.»^۴

به نظر من ، این آیین سابقه طولانی تر از عصر زرتشت دارد و به قبل از زمان زرتشت بر میگردد، یعنی از بقای آیین میترائی یا خورشید پرستی است که به رنگ و صبغه خاصی در میان ساکنان فلات ایران تا کنون بجا مانده و از آن در تمام شهرهای فلات ایران و حتی در اروپا و امریکا تا استرالیا از سوی ایرانیان تجلیل می شود.

^۳ - بحواله جشنهای آیین برگزاری جشنهای ایرانی، از موبد اردشیر آذرگشسب، بیرونی ، آثارالباقیه، ص ۲۹۰ ببعده

^۴ - بحواله همان منبع ، از موبد اردشیر آذرگشسب، بیرونی ، آثارالباقیه ، ص ۲۹۵

در سیستان شب یلدا را بنام شب چله گرمی میدارند و سالها پیش که هنوز خبری از برق و وسایل سرگرمی های صوتی و شنیدار و دیداری نبود، مردم با روشن کردن آتشی از هیزم در اجاق خانه و یا در مرکز روستا، به سخنان و قصه های کهن سال ترین مرد دهکده گوش فرامیدادند و از شنیدن داستانهای رزمی شاهنامه و یا قصه های امیر حمزه صاحب قران (حمزه پسر عبدالله آنرک شاری سیستانی) دل و دماغ خود را تر و تازه میکردند. اما امروزه با ورود وسایل تخنیک معاصر که با تلویزیون و دیش آنتن های الکترونیکی مجهزاند، خود برنامه سازان رسانه های صوتی و دیداری، با پیشکش کردن برنامه های رنگین زنده، زحمت راوایان و قصه گوین را کم میکنند و مردم هم با خوردن انواع میوه های خشکبار و تر بار دیگر از طولانی بودن شب یلدا و سردی چله کلان هراسی بدل راه نمیدهند و خوش و خوشحال آن شب را به آخر میرسانند.

پایان